

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۳ جولای ۲۰۲۲



یونس نگاه

پیام سخنان طولانی قانونی این بود:

(۱) او هنوز از حلقه شورای نظارش بیرون نمی‌تواند ببیند. او برای اقتناع تمام افغان‌ها سخنرانی نکرد، بلکه تلاش داشت توجیه کند که نمایندگان خوب شورای نظار بوده‌اند ولی خطای‌شان این بوده که نتوانسته‌اند منافع جمعیت اسلامی را فراتر از دره پنجشیر تأمین کنند. او ظاهراً جرأت به خرج داد تا بگوید که متحدان غیرشورای نظاری خود را مثلاً جمعیتی‌های بدخشان و بغلان و هرات را در قدرت سهم مناسب نداده بودند.

(۲) از توضیحات او پیداست که او و دیگر رهبران جمعیت در آن زمان به دستور امریکا همچون تقدیر تن داده بودند و تلاش داشتند در ترنی که راه افتاده بود جای بیشتر برای خود کسب کنند، قصد اثرگذاری بر تعیین مسیر ترن را نداشتند. متأسفانه نیروهای تنظیمی چون با پول و پروژه خارجی ساخته شده و پندیده بودند، به پروژه‌های خارجی چون قادر بی‌همتا می‌دیدند. طالبان درین زمینه بهتر از تنظیم‌های مادر عمل می‌کند. طالبان در جریان سازش با خارجی‌ها مسیر خود را تغییر نمی‌دهد بلکه تعهد می‌سپارد که در راهی که خود انتخاب کرده پندکی‌های تمویل‌کنندگان و حامیان خود را نیز ببرد.

(۳) قانونی پوسته‌اش شهری شده و کلمات دمکراتیک بر زبان می‌آورد ولی هسته‌اش آدم دهاتی قوم‌گرا و فرزند نابالغ ده است. او در بیست سال گذشته مشغول بازی پول و چوکی بوده و نتوانسته است از بازیگر فرمان‌بری که جریان‌ها و موج‌ها را تعقیب کرده خود را با آن همگام می‌سازد به یک قایق‌ران ماهر بدل شود که در برابر موج‌ها بایستد و مسیری را که به سود مردم می‌بیند رهبرانه تعقیب نماید.

او در جایی گفت که سقف خیز او و همتایانش در جمعیت تا "آمرصاحب" و بعدها تا "مارشال صاحب" بود. از آن بالاتر حتی تا "استاد شهید" هم نمی‌رفتند. او هنوز حتی در نبود استاد شهید و آمرصاحب و مارشالش در همان پنه مانده است و جرأت نمی‌کند از صف سوم به صف دوم و اول بیاید و مسؤلیت بگیرد.

در واقع شورای نظار گروه جنگی بی‌برنامه بود و بازماندگانش در بیست سال گذشته با بی‌برنامگی و جلترنگبازی‌ها، دزدی و تفرقه‌اندازی بار دوش و مشکل کلان برای جامعه ما شده بودند. در منصب‌های دمکراتیک نشسته بودند ولی به ارزش‌های دمکراتیک باور نداشتند. آدم‌های کوتاه‌بین، پروژمنگر، چشم‌گشنه، متعصب و تنگ‌نظر بودند. هریکی ازین افراد در سطح قانونی و امثالش مثل تپه پر سنگ در مسیر دمکراسی و کشورداری خوابیده بودند که کسی حق نداشت آن را کلنگ بزند و هموار کند. ماشین دمکراسی را پنچر می‌کردند و پاهای دمکراسی‌خواه را خون‌پر و افکار. لاف این که ما دمکراسی آوردیم از ناآگاهی اگر نباشد از چشم‌سفیدی است.